

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۶۹۲

ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۲۰ شهریور ۱۳۹۲، ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۳

سردبیر عبدال گلپریان

فریاد دو جوان محکوم به اعدام، زانیار و لقمان مرادی، خطاب به احمد شهید و نهادهای مدافع حقوق انسانی نگذارید اعدام شویم!



با سلام و احترام جناب آقای
دکتر احمد شهید

نگارش این نامه از طرف ما
دو نفر زانیار مرادی و لقمان مرادی
شاید برای شما تازگی نداشته
باشد، اما ما دو نفر برای اثبات بی
گناهی و نجات دادن جان خود از
صفحه ۲

برگزاری کنفرانس دو روزه در مریوان علیه ناموس پرستی و قتل‌های ناموسی



شهر مریوان یکی از مراکز مهم
سازمان یابی و فعالیت متحدانه
زنان است. اخیراً این شهر میزبان
یک کنفرانس دو روزه مهم علیه
ناموس پرستی و خشونت علیه زنان
بود.

روزهای ۳۰ و ۳۱ مرداد ماه
کانون علمی فرهنگی "رونان"
مبتکر و سازمان دهنده یک

صفحه ۳

با صدور رای ایقا بکار از سوی هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه، کارگران فولاد زاگرس به یک موفقیت مهم دست یافتند

اجتماعی، این کارگران را در
کارهای سابق شان ایقا بکار نماید.
اتحادیه آزاد کارگران ایران با
ابراز مسرت فراوان از موفقیت
کارگران فولاد زاگرس، این پیروزی
صفحه ۴

صادر شد.
بر اساس این حکم کارفرما
مکلف شده است تمامی معوقات
کارگران فولاد زاگرس را تا پایان
مرداد ماه پرداخت و با واریز حق
بیمه آنان به حساب سازمان تامین

اتحادیه آزاد کارگران ایران پس
از نزدیک به دو ماه از اخراج ۲۲۵
کارگر فولاد زاگرس و اعتراضات
متحدانه آنان، امروز حکم ایقا
بکار این کارگران از سوی هیات
تشخیص اداره کار شهرستان قروه

دنیاس از ۱۱ سپتامبر / بخش اول: جنگ تروریستها / منصور حکمت صفحه ۵

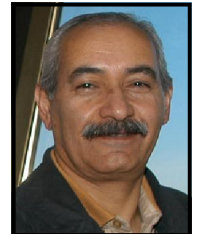
مختصری از تاریخ یک دوره / بخش بیست و ششم / عبدال گلپریان صفحه ۷

جراغ‌ها سبز و قرمز می‌شوند / الناز میثمی صفحه ۸

کردستان عراق و کلیه فروشی

یک کشور اروپایی برسانند. مشکل
اصلی آنها این بود که زیر سن قانونی
بودند و آهی در بساط نداشتند.
تصمیم گرفتند هزینه سفرشان را
تامین کنند. پس یکی از کلیه های
خود را در ازای مبلغ ۸ هزار دلار در
بیمارستانی در بغداد فروخت. دختر
نیز یکی از کلیه های خود را به مبلغ
۱۰ هزار دلار بفروش رساند. با این
پول سند جعلی ازدواج و پاسپورت و
ویزای سفر به ترکیه را نیز فراهم
کردند. روز پرواز در فرودگاه اربیل
ماموران متوجه جعلی بودن سند
ازدواج آنها شدند و ضمن ممانعت از
پرواز هر دوی آنان را تحویل مرکز
افراد بی سرپرست دادند.

این داستان غم انگیز نوجوانانی
است که حمایت کننده ای ندارند. بنا
به گزارشات منتشر شده قیمت کلیه
صفحه ۲



عبدال گلپریان

دختر و پسر نوجوان به هم
علاقتمند شدند. کسی را نداشتند.
دختر بعلت درگذشت پدر و مادر در
یک محل نگهداری از افراد بی
سرپرست زندگی می کرد. پسر
نوجوان نیز کسی را نداشت و بدون
خانه و کاشانه اینجا و آنجا شب را به
روز و روز را به شب می رساند. هر
دو تصمیم گرفتند از کردستان عراق
به ترکیه بروند و از آنجا نیز خود را به

نگاه هفته

مجموعه ای از
رویدادهای هفته
در شهرهای کردستان

نسان نودینیان



علیه ناموس و ناموس پرستی

مورد خشونت علیه زنان در خانواده
و مسائل ناموسی و راههای مقابله
با قتل ناموسی صحبت شد. در این
سمینار گفته شد که به تازگی در
کمتر از چند ماه در مریوان چهار نفر
به دلایل ناموسی به قتل رسیده اند و
قتل ناموسی در مجموع در کردستان
بسیار بالا است. در این کارگاه در
مورد عادی شدن این اپیدمی و
عادت کردن افکار عمومی به این
اخبار صحبت شد و از ضرورت یک
آگاهگری جمعی و مبارزه و مقابله

در روزهای ۳۰ و ۳۱ مرداد ماه
کانون علمی فرهنگی "رونان" مبتکر
و سازمان دهنده یک کنفرانس دو
روزه بود و در جریان دو روز
مباحثات فشرده و جالب در مورد
جنبه های مختلف ناموس و ناموس
پرستی و علل و زمینه های قتل
ناموسی، به تفصیل صحبت شد.
در روز دوم این سمینار، کارگاه
آموزشی مبارزه با خشونت علیه
زنان برگزار شد که در آن با حضور
تعداد زیادی از زنان مریوانی در

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **کردستان عراق و ...**

در کردستان عراق در بالاترین سطح به قیمت ۱۲ هزار دلار خرید و فروش می شود. ۴ هزار دلار از این مبلغ به جیب واسطه می رود و ۸ هزار به فروشنده یا همان صاحب کلیه می رسد. ظاهراً قانون عراقی فروش کلیه و اعضای بدن را در ازای پول منع کرده است و متخلفین را از ۳ تا ۶ سال و کسانیکه بعنوان واسطه آنرا بعنوان شغل بازرگانی برای خود تبدیل کنند ۱۵ سال حکم زندان تعیین کرده است. طبق همین گزارش دکترها در بیمارستانهای بغداد خودشان نیز بخشی از این شبکه بازرگانی هستند. اکنون خرید و فروش کلیه در میان جوانان و مردم تنگدست در شهرهای کردستان عراق در حال افزایش است. خریداران کلیه عمدتاً کسانیکه هستند که خود شخصاً به کلیه احتیاج ندارند بلکه باندها و شبکه هایی هستند که در ازای پیدا کردن هر تک فروشنده ای ۴ هزار دلار عایدشان می شود.

مردم عراق تحت حاکمیت مالکی و مردم کردستان عراق تحت حاکمیت احزاب بارزانی، طالبانی و دیگر احزاب ریز و درشت اسلامی، چنین سرنوشت غم انگیزی دارند. در پرتو این حاکمان، انواع شبکه ها و باندهای قاچاق، خرید و فروش و بازرگانی اعضای بدن انسانهای دردمند و تهی دست بر این جامعه جنگ انداخته است.

.....
خودکشی در میان جوانان پسر

بنا به آمار منتشر در کردستان عراق، خودکشی در میان جوانان رو به افزایش گذاشته است. تنها در مدت هفت ماه اخیر تعداد ۱۹ جوان پسر دست به خودکشی زده اند. بی گمان خودکشی و یا خودسوزی در

حکومت و ایجاد مانع در دست درازی به حریم زندگی خصوصی و دخالت در پوشش زنان، سبب رشد و تقویت اعتراض جمعی مردم در کوچه و خیابان خواهد شد که دیگر مشتکی اوباش اسلامی نتوانند بعنوان قییم زنان و دخالت در چگونگی نحوه پوشش آنان عرض اندام کنند. تاریخ ۳۴ ساله این فسیل های از گور برخاسته از روز اول تا کنون، یا روسری یا تو سری بوده است اما تا کنون نتوانسته اند قوانین عصر حجری خود را بر زنان تحمیل کنند. هزینه های کلان ۳۴ ساله نهادهای نهی از منکر و فراخوانهای آیت الله های گوناگون گویای شکست طرحهای مختلف نهی از منکرشان است.

پاسخ قاطع زنان و مردان برابری طلب می تواند ابعادی اجتماعی و سازمان یافته بخود بگیرد و حق این مفتخوان را کف دستشان بگذارند. زنان بستوه آمده از دست مشتکی انگل اسلامی می توانند و قادر خواهند بود که با راه انداختن کمپین اعتراضی علیه قوانین و طرحهای نهی از منکر، پاسخی روشن به سران ریز و درشت حکومت اسلامی و دولت "اعتدال" روحانی بدهند. هر وقت و هر جا که لازم شد باید اینها را گوشمالی داد. با حرکت اعتراضی و جمعی زنان و مردان برابری طلب می توان مزاحمت افراد و عناصر نهی از منکر و طراحان آنرا عقب زد. می توان و باید کاری کرد که این بساط را جمع کنند و نتوانند به خود جرئت دهند که به نوع پوشش زنان گیر دهند. فعالین اجتماعی در میان زنان و مردان برابری طلب می توانند نقش ارزنده ای در راه اندازی کمپین ها و حرکت های اعتراضی در مقابل دارو دسته های نهی از منکر و نهادهای گشت ارشاد از خود نشان دهند.

فریاد دو جوان محکوم به اعدام ...

از صفحه ۱

حکم ناحق اعدام، به سازمان ملل و مجامع حقوق بشری تکیه و خواستار کمک هستیم و از آنها یاری میطلبیم. حتی اگر لازم باشد ما این ننگار را چندین بار تکرار خواهیم کرد تا بتوانیم از وضعیت دشوار و حکم ناعادلانه و غیر انسانی اعدام رهایی بیابیم. همانطور که قبلاً هم به اطلاع شما رساندیم، به مدت پنج سال است ما درد و رنجهای بسیاری را تحمل کرده ایم. از سناریو سازهای وزارت اطلاعات از کینه و انتقام گیریهایی که جوانان را به نابودی میکشانند، دوری از خانواده هایمان و چیزهایی که شاید بازگو نکردن آن برای ما بهتر باشد تا آن خاطره های تلخ و ناگوار را از یاد ببریم. بعد از این همه مدت تحمل درد و رنجها و خبر رسانی ما همچنان درد و خستگی شدیدی احساس میکنیم. اما چیزهایی وجود دارد که مانع گسترش این زخم میشود. یکی اینکه سازمانهای حقوق بشری و سازمان ملل اقدامات انسان دوستانه را در حق ما دریغ نکرده و تا امروز هم زنده ماندن خود را مدیون این سازمانها میدانیم. دیگری بی گناه بودن خودمان این اعتماد بنفس را به ما داده است که مرتب اعلام کنیم در حق ما و علیه ما پرونده سازی صورت گرفته است.

همانطور که قبلاً هم برایتان نوشته بودیم، تمامی مراحل حکم ناحق اعدام، به سازمان ملل و مجامع حقوق بشری تکیه و خواستار کمک هستیم و از آنها یاری میطلبیم. حتی اگر لازم باشد ما این ننگار را چندین بار تکرار خواهیم کرد تا بتوانیم از وضعیت دشوار و حکم ناعادلانه و غیر انسانی اعدام رهایی بیابیم. همانطور که قبلاً هم به اطلاع شما رساندیم، به مدت پنج سال است ما درد و رنجهای بسیاری را تحمل کرده ایم. از سناریو سازهای وزارت اطلاعات از کینه و انتقام گیریهایی که جوانان را به نابودی میکشانند، دوری از خانواده هایمان و چیزهایی که شاید بازگو نکردن آن برای ما بهتر باشد تا آن خاطره های تلخ و ناگوار را از یاد ببریم. بعد از این همه مدت تحمل درد و رنجها و خبر رسانی ما همچنان درد و خستگی شدیدی احساس میکنیم. اما چیزهایی وجود دارد که مانع گسترش این زخم میشود. یکی اینکه سازمانهای حقوق بشری و سازمان ملل اقدامات انسان دوستانه را در حق ما دریغ نکرده و تا امروز هم زنده ماندن خود را مدیون این سازمانها میدانیم. دیگری بی گناه بودن خودمان این اعتماد بنفس را به ما داده است که مرتب اعلام کنیم در حق ما و علیه ما پرونده سازی صورت گرفته است.

همانطور که قبلاً هم برایتان نوشته بودیم، تمامی مراحل حکم ناحق اعدام، به سازمان ملل و مجامع حقوق بشری تکیه و خواستار کمک هستیم و از آنها یاری میطلبیم. حتی اگر لازم باشد ما این ننگار را چندین بار تکرار خواهیم کرد تا بتوانیم از وضعیت دشوار و حکم ناعادلانه و غیر انسانی اعدام رهایی بیابیم. همانطور که قبلاً هم به اطلاع شما رساندیم، به مدت پنج سال است ما درد و رنجهای بسیاری را تحمل کرده ایم. از سناریو سازهای وزارت اطلاعات از کینه و انتقام گیریهایی که جوانان را به نابودی میکشانند، دوری از خانواده هایمان و چیزهایی که شاید بازگو نکردن آن برای ما بهتر باشد تا آن خاطره های تلخ و ناگوار را از یاد ببریم. بعد از این همه مدت تحمل درد و رنجها و خبر رسانی ما همچنان درد و خستگی شدیدی احساس میکنیم. اما چیزهایی وجود دارد که مانع گسترش این زخم میشود. یکی اینکه سازمانهای حقوق بشری و سازمان ملل اقدامات انسان دوستانه را در حق ما دریغ نکرده و تا امروز هم زنده ماندن خود را مدیون این سازمانها میدانیم. دیگری بی گناه بودن خودمان این اعتماد بنفس را به ما داده است که مرتب اعلام کنیم در حق ما و علیه ما پرونده سازی صورت گرفته است.

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات

متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، نسیب بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.



**زندگی شاد، ایمن و خلاق
حق مسلم کودکان است!**

تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. در بخش اعظم کشورهای جهان، زن رسماً و قانوناً از همان حقوق و آزادی های محدود و محقری هم که مردان از آن برخوردارند محروم است. در کشورهای از نظر اقتصادی عقب افتاده تر و در جوامعی که نفوذ مذهب و سنت های کهنه پر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق تر است، ستمگشی زن و بی حقوقی و فرودستی او در آشکارترین و زمخت ترین اشکال خودنمایی میکند. در کشورهای پیشرفته تر و مدرن تر، و حتی در جوامعی که به لطف جنبش های مدافع حقوق زنان و تعرضات سوسیالیستی کارگری تبعیض جنسی علی الظاهر از بخش اعظم قوانین حذف شده است، زن همچنان در متن مکانیسم اقتصاد سرمایه داری و سنت ها و باورهای مردسالارانه جاری در جامعه، عملاً از جهات بسیار مورد تبعیض و ستم قرار دارد.

نگاه هفته

از صفحه ۱

برگزاری کنفرانس دو روزه در مریوان ...

از صفحه ۱



چنین کنفرانسهایی در جنبش دفاع از حقوق زنان در ایران بسیار مهم است. مریوان مرکز نهادهای متعدد دفاع از حقوق زن است. «انجمن زنان اندیش»، «انجمن زنان مریوان» و «انجمن زنان پیشرو» کانون علمی-فرهنگی رونان» «صندوق تعاونی زنان مریوان» و .. از جمله این نهاد ها هستند. زنان به برگزاری گلگشت و برنامه های آموزشی و یا کمک به زنان در معرض خشونت میپردازند و اخیرا نیز با برگزاری دوره های کامپیوتر و خیاطی و .. به استقلال اقتصادی زنان کمک میکنند.

فتنه - جنبش برای رهایی زن، این اقدامات و ابتکارات را بسیار مهم تلقی کرده و از زنان در سراسر ایران دعوت میکند از این الگوها استفاده کرده و به سازمان دادن کنفرانس و سمینار و نهادهای متعدد مدافع حقوق زن بپردازند. با این نوع تجمعات و فعالیتهای میتوان کمک زیادی برای اتحاد و آگاهگری در زمینه مقابله با خشونت علیه زنان انجام داد.

فتنه - جنبش برای رهایی زن
۸ سپتامبر ۲۰۱۳

کنفرانس دو روزه بود و در جریان دو روز مباحثات فشرده و جالب در مورد جنبه های مختلف ناموس و ناموس پرستی و علل و زمینه های قتل ناموسی، به تفصیل صحبت شد. در روز دوم این سمینار، کارگاه آموزشی مبارزه با خشونت علیه زنان برگزار شد که در آن با حضور تعداد زیادی از زنان مریوانی در مورد خشونت علیه زنان در خانواده و مسائل ناموسی و راههای مقابله با قتل ناموسی صحبت شد.

در این سمینار گفته شد که به تازگی در کمتر از چند ماه در مریوان چهار نفر به دلایل ناموسی به قتل رسیده اند و قتل ناموسی در مجموع در کردستان بسیار بالا است. در این کارگاه در مورد عادی شدن این پدیده و عادت کردن افکار عمومی به این اخبار صحبت شد و از ضرورت یک آگاهگری جمعی و مبارزه و مقابله فعالانه با ناموس پرستی صحبت شد. حاضرین در این سمینار بر آگاهگری و عزم جزم عمومی برای مقابله با این فجایع انگشت گذاشتند.

بعد از یک جنبش بزرگ زنان سرخپوش مریوان که توجه ها را در دنیا بخود جلب کرد، برگزاری

مرجع و ارگان مبارزه علیه خشونت بر زنان تبدیل شوند امکان پیشروی مصوبات و جهت های این کنفرانس را گسترده تر کرده اند.

اعتصاب کارگران پروژه ساخت خانه های مسکونی روستایان حومه سد آزاد سنندج

کارگران پروژهی ساخت خانه های مسکونی روستاییان حومه سد آزاد سنندج (شهرک بنیدر - روستای باقرباد) در ۱۲ شهریور دست به اعتصاب زدند. کارگران این پروژه اعلام کرده اند که بدلیل عدم دریافت حقوقها و دستمزدهای معوقه ی ۳ الی ۶ ماهه و عدم رسیدگی مسولان کار را تعطیل و تا پرداخت کامل حقوق خویش به اعتصاب ادامه خواهند داد. کارفرمایان پروژه بدهی های شرکت وهمچنین نداشتن بودجهی لازم برای پایان کار پروژه را از دلایل نپرداختن حقوق کارگران اعلام کرده اند. مسئولیت ساخت خانه های مسکونی روستای بنیدر با کارفرمای پروژه سد آزاد سنندج می باشد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

با صدور رای ابقا بکار از سوی هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه، کارگران فولاد زاگرس به یک موفقیت مهم دست یافتند

۱۴ شهریور: اتحادیه آزاد کارگران ایران: پس از نزدیک به دو ماه از اخراج ۲۳۵ کارگر فولاد زاگرس و اعتراضات متحذانه آنان، امروز حکم ابقا بکار این کارگران از سوی هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه صادر شد. بر اساس این حکم کارفرما مکلف شده است تمامی معوقات کارگران فولاد زاگرس را تا پایان مرداد ماه پرداخت و با واریز حق بیمه آنان به حساب سازمان تامین اجتماعی، این کارگران را در کارهای سابق شان ابقا بکار نماید. اتحادیه آزاد کارگران ایران با ابراز مسرت فراوان از موفقیت کارگران فولاد زاگرس، این پیروزی را به یکایک این عزیزان صمیمانه تبریک میگوید و آنرا حاصل اتحاد و ایستادگی و عزم و اراده محکم این کارگران برای استیفای حقوق بر حق شان میدانند.

صفحه ۴

احزاب اسلامی در شکل دادن افکار قومی و سنتی ناسیونالیستی - مذهبی بی تاثیر نیستند. بعنوان یک واقعیت و اتفاق اجتماعی به هر اندازه جنبش مدرن برابری زنان و فعالین این عرصه در سه دهه گذشته پیشروی کرده، مراسمهای روز جهانی زن، اول ماه مه، فستیوال های دفاع از حقوق کودکان را اجرا و در عرصه اجتماعی بعنوان سنت و فرهنگ مدرن و امروزی مبلغ و مبتکر این فعالیتهای بوده اند، احزاب بورژوازی و ناسیونالیستی از جمله حزب دمکرات و پژاک بی تاثیر نبوده اند و موجبات تغییر در سنت، فرهنگ و ساختار حزبی و سازمانی آنها را موجب شده اند. بیان و بر شمردن این دستاوردها مهمند به این دلیل وجود و حضور جنبش های اجتماعی با گرایشات و سنت های اجتماعی و احزاب سیاسی که بخشهای مهمی از فرهنگ مردسالاری و ناموس پرستی را نمایندگی میکنند خود عرصه ای اصلی از جدل سیاسی آن هستند. در یک کلام جنبش مدرن برابری زنان، جنبش زنان پیشرو علیه ناموس و ناموس پرستی در یک موقعیت مناسبی قرار گرفته اند، میتوانند بر سدها و موانع پیشروی این عرصه غلبه کنند. در مریوان سنتا جنبش زنان مدرن و پیشرو وجود داشته است. در چند سال گذشته در اشکال متنوع و اجتماعی ابراز وجود کرده از جمله «زنان سرخ پوش» مریوان با ابتکارهای رادیکال توانستند این حرکت خودبخودی را به مساله ای سیاسی در سطح ایران و خارج کشور تبدیل کردند. نتایج کنفرانس "کانون علمی فرهنگی رونان" و گامهای عملی برای مبارزه با ناموس و ناموس پرستی را میتوانند به امر شهروندان جامعه تبدیل کرد. انجمنها و کانونهای مبارزه با ناموس پرستی باید از امکانات این کانونها استفاده کنند. قدرت برگزاری کنفرانس و کلاسهای آموزشی را با بکارگیری این امکانات بکارگیرند. این مبارزه بسیار مهم است. این عرصه از مبارزه به هر درجه فعالین و مبلغین و شخصیتهای توده ای و سرشناس را در جامعه داشته باشد، از نفوذ اجتماعی شان استفاده کنند، به

فعالانه با ناموس پرستی صحبت شد. حاضرین در این سمینار بر آگاهگری و عزم جزم عمومی برای مقابله با این فجایع انگشت گذاشتند. بعد از یک جنبش بزرگ زنان سرخپوش مریوان که توجه ها را در دنیا بخود جلب کرد، برگزاری چنین کنفرانسهایی در جنبش دفاع از حقوق زنان در ایران بسیار مهم است. مریوان مرکز نهادهای متعدد دفاع از حقوق زن است. «انجمن زنان هم اندیش»، «انجمن زنان پیشرو» کانون علمی-فرهنگی رونان» «صندوق تعاونی زنان مریوان» و .. از جمله این نهاد ها هستند. زنان به برگزاری گلگشت و برنامه های آموزشی و یا کمک به زنان در معرض خشونت میپردازند و اخیرا نیز با برگزاری دوره های کامپیوتر و خیاطی و .. به استقلال اقتصادی زنان کمک میکنند.

فتنه - جنبش برای رهایی زن، این اقدامات و ابتکارات را بسیار مهم تلقی کرده و از زنان در سراسر ایران دعوت میکند از این الگوها استفاده کرده و به سازمان دادن کنفرانس و سمینار و نهادهای متعدد مدافع حقوق زن بپردازند. با این نوع تجمعات و فعالیتهای میتوان کمک زیادی برای اتحاد و آگاهگری در زمینه مقابله با خشونت علیه زنان انجام داد. فتنه - جنبش برای رهایی زن ۸ سپتامبر ۲۰۱۳

مقابله بسیار آگاهانه با ناموس و ناموس پرستی و مردسالاری برای مصون نگه داشتن شهروندان جامعه اقدامی مهم و در نوع خود تلاش برای رهایی از سموم آن است. زنان پیشرو و فعالین جنبش برابری زنان برای مقابله با ناموس پرستی و مردسالاری و مذهب گامهای قابل اتکا، آگاهگرانه و مدرن و امروزی با استفاده از میدیای اجتماعی انجام داده اند. با وجود تمام این دستاوردها اما هنوز فرهنگ، سنت و علاقت مردسالاری و مذهب در جامعه کردستان خشونت و بقتل رساندن زنان هنوز متأسفانه وجود دارد. در کردستان سنتا احزاب سنتی ناسیونالیستی از جمله حزب دمکرات کردستان، پ کاکا و پژاک و

آدرس پستی
 Maryam Namajie
 BM BOX 1616, London WC1N1XX, UK
 Email: fitnah.movement@gmail.com
 Blog: http://fitnahmovement.blogspot.com.uk
 Website: www.fitnah.org
 Facebook: www.facebook.com/fitnahmovement

مینا احدی ..۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳
 کوان جاوید ..۴۴۷۸۶۱۴۷۶۸۶۹
 مریم نمازی ..۴۴۷۷۱۹۱۶۶۷۳۱

از صفحه ۳

نگاه هفته

را از دست داد.

به گفته‌ی يك منبع مطلع، این کارگر، ۳۰ ساله و متأهل بوده که در سد داریان کار می‌کرده است وی به علت بی‌توجهی کارفرما نسبت به فراهم نمودن شرایط ایمنی جهت حفظ جان کارگران، جان باخته است. *

جان باختن دو کارگر مهاجر ایرانی در عراق

به گزارش رسیده روز جمعه مورخ ۸/۶/۹۲ دو کارگر مهاجر ایرانی که در سد دوکان از شهرهای عراق مشغول به کار بودند بر اثر حادثه در محل کار به درون سد سقوط کرده و متأسفانه جان خود را از دست دادند. این دو کارگر جوشکار، به نااهلی امجد توریوریان اهل روستای توریور و فرید جعفری اهل کرمانشاه بودند. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ضمن عرض تسلیت به خانواده و دوستان امجد توریوریان و فرید جعفری، عدم رعایت استانداردهای ایمنی توسط کارفرمایان در محیط‌های کار را دلیل اینگونه حوادث ناگوار می‌داند. *

گشته و زخمی شدن ۲ کولبر در مرز بانه

۱۳ شهریور: جمعی از کولبران و کاسبکاران از سوی مأموران انتظامی پاسگاه روستای بیاندره از توابع بانه هدف شلیک مستقیم قرار گرفتند. در این تیراندازی یک کولبر به نام محمد اهل روستای "ماصیفالدین" بانه جان خود را از دست داد. همچنین تیراندازی نظامیان حکومتی موجب زخمی شدن یک کولبر دیگر به نام عبدالله سقزی شد. این کولبر جهت مراقبت‌های پزشکی به مراکز درمانی بانه انتقال یافت. از دیگر سو روز یکشنبه گذشته نیز یک کولبر دیگر در مناطق مرزی ارومیه به نام "پیام حسنی" بر اثر شلیک مستقیم نیروهای سپاه پاسداران، در منطقی "تگرور" از توابع ارومیه، بشدت زخمی شد.

کشتن کارگران مرزی برای نیروهای جنایتکار اسلامی به "امری" عادی تبدیل شده است. هر روز تعدادی از کارگران و جوانان

اما از آنجا که علیرغم این موفقیت و صدور رای ابقا بکار کارگران فولاد زاگرس از سوی هیات تشخیص، احتمال عدم تمکین کارفرما به رای صادره وجود دارد لذا ما کارگران فولاد زاگرس را به حفظ هوشیاری و اتحاد و همبستگی بیشتر فرا میخوانیم و بدینوسیله حمایت قاطعانه خود را از تلاش و مبارزه آنان برای تثبیت رای صادره و اجرای آن اعلام می‌داریم.

آقای مختار رستمی قربانی دیگری از حوادث ناشی از کار

طبق اخبار رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران آقای مختار رستمی ۳۸ ساله دارای ۳ فرزند در روز چهارشنبه ۱۳ شهریور ۹۲ در روستای کوله ساره از توابع کامیاران به داخل چاه سقوط میکند و قطع نخاع میشود آقای رستمی بدلیل اینکه فاقد بیمه درمانی میباشد قادر به پرداخت هزینه درمان خود نیست و اکنون این خانواده هم نان آورش را از دست داده است و هم هزینه‌های سرسام آور درمان به آنان تحمیل شده است این خانواده کارگری در سالهای قبل نیز یکی از اعضای خود را در حوادث ناشی از کار از دست داده است آقای شاپور رستمی برادر آقای مختار رستمی که در سد گاوشان کار میکرده بر اثر سقوط قتلک، جان میدهد و هیچ کس پاسخگویی این حادثه نبوده است خانواده‌های کارگری هر روزه در خطر حوادث کار قرار دارند و این اتفاق با آمار بالایی (۵ نفر در روز) در حال تکرار است و هیچ ارگانی مسئولیت پاسخگویی خانه خرابی و مرگ کارگران و خانواده‌های آنان نیست *

یک کارگر دیگر در سد داریان جان باخت

یک کارگر دیگر در هنگام کار کردن در سد "داریان" از توابع شهرستان پاوه، به دلیل حوادث ناشی از کار جان باخت. به گزارش ۴ شهریور کردپا، روز گذشته سیزدهم شهریورماه، یک کارگر به نام "حامد وهابی"، فرزند "جمال" اهل روستای "ژریزه" از توابع شهرستان "سروآباد"، که در سد داریان مشغول به کار بوده است، به دلیل سقوط به داخل دستگاه سنگ شکن، جان خود

از صفحه ۱ با صدور رای ابقا بکار از ...

وجود دارد لذا ما کارگران فولاد زاگرس را به حفظ هوشیاری و اتحاد و همبستگی بیشتر فرا میخوانیم و بدینوسیله حمایت قاطعانه خود را از تلاش و مبارزه آنان برای تثبیت رای صادره و اجرای آن اعلام می‌داریم.

اتحادیه آزاد کارگران ایران -
۱۴ شهریور ماه ۱۳۹۲

را به یکایک این عزیزان صمیمانه تبریک می‌گویند و آنرا حاصل اتحاد و ایستادگی و عزم و اراده محکم این کارگران برای استیفای حقوق بر حق شان میدانند.

اما از آنجا که علیرغم این موفقیت و صدور رای ابقا بکار کارگران فولاد زاگرس از سوی هیات تشخیص، احتمال عدم تمکین کارفرما به رای صادره

حقوق دریافت نکرده‌اند ممکن است با هر سختی بتوانند مخارج روزمرشان را تأمین کنند، اما قادر به پرداخت هزینه‌های تحصیل و نوشتن‌افزار فرزندان‌شان نیستند. در شرایطی که هر ماه بخشی از حقوق کارگران پیمانی توسط پیمانکاران تصاحب می‌شود، با وجود هزینه‌های سرسام‌آور کالاهای اساسی و کاهش شدید قدرت خرید، کارگران حتی در زمان اشتغال و دریافت حقوق هم نمی‌توانند جوابگویی نیازهای آموزشی فرزندان‌شان باشند.

اجتماعی

وقوع درگیری میان نیروهای سپاه در نقطه "رجوی" در ثلاث باباجانی با جمعی از کاسبکاران مرزی دستکم دو نفر کشته و زخمی شدند. یک عضو سپاه پاسداران که به همراه دیگر نیروهای سپاه در حالی که قصد ممانعت از عبور چند ماشین حمل بار کولبران را داشتند کشته شد. همزمان با این درگیری یک سرباز نیز به شدت زخمی شده است. همچنین در پی این درگیری، چندین شهروند ثلاث باباجانی نیز از سوی نیروهای رژیم بازداشت شدند. به گفته شاهدان عینی مأموران سپاه پاسداران در هنگام درگیری، ناراضیان آنان را هدف گلوله قرار دادند و آنان نیز برای نجات خود محل را ترک کردند.

آزادی زندانی سیاسی

بیکار مورد هجوم نیروهای سرکوبگر مرزی قرار میگیرند. کمتر روزی است که اخبار کشته و زخمی شدن کارگران مرزی را نبینیم و نشنیم!! طبق آمارها: «بیش از ۱۵۰۰ کارگر مرزی در مناطق سردشت، بانه، سقز و مریوان در حرفه خطرناک و غالباً غیر قانونی «کولبری» هستند». «هرسال صدها نفر از کارگران کولبر جان‌شان را در مناطق مرزی کردستان از دست می‌دهند. سن اشتغال کارگران در حرفه کولبری از ۱۳ تا ۶۰ سال میباشد. اکثر کارگران کولبر را افراد فقیری تشکیل می‌دهند که فقط برای امرار معاش روزانشان به این شغل خطرناک روی آورده‌اند».

گزارشی کوتاه از وضعیت اسفناک کارگران میادین میوه و تره بار

ایلناتی گزارشی بتاریخ ۱۴ شهریور از عدم رعایت ساعت کاری و بیش از ۱۶ ساعت کار روزانه کارگران میادین میوه و تره بار خبر داد. براساس این گزارش، کارگران میادین میوه و تره بار از ساعت ۲ نیمه شب الی ۲ صبح به میدان می‌روند و تا غروب همان روز کار می‌کنند. بسیاری از کارگران میادین میوه و تره بار در حجره‌ها می‌خوابند. برپایه این گزارش، کارگران میادین میوه و تره بار معمولاً بازنشسته نمی‌شوند و با ۲۰ الی ۳۰ سال سابقه کار، نهایتاً ۵ سال سابقه بیمه دارند زیرا کارفرمایان به طرق مختلف، لیست بیمه‌شان را کامل رد نمی‌کنند.

اخراج کارگران، به محرومیت فرزندان‌شان از تحصیل انجامیده است

در شرایطی که کارگران قرارداد موقت با وجود داشتن شغل از تأمین هزینه‌های تحصیلی فرزندان‌شان ناتوان‌اند، خطر ترک تحصیل فرزندان هزاران کارگر قراردادی و پیمانی که ظرف یک سال اخیر در نقاط مختلف کشور بیکار شده‌اند وجود دارد. افزایش (بعضاً) صد در صدی قیمت نوشت‌افزار تناسبی با افزایش ۱۷ تا ۲۵ درصدی دستمزد کارگران ندارد، بدلیل طولانی شدن بحران اقتصادی در بخش تولید، بسیاری از کارگرانی که در نقاط مختلف کشور ماه‌ها

یک زندانی سیاسی به نام "کیوان غلامی" پس از تحمل سه سال حبس از زندان مریوان آزاد شد. کیوان غلامی اهل روستای "دادانه کمانگر" و ساکن شهرک "جوجه سازی" مریوان به اتهام "همکاری با یکی از احزاب اپوزیسیون" رژیم محاکمه و به پنج سال زندان محکوم شده بود.

خبرگزاری هرانا - از سرنوشت یک شهروند کرد که توسط نیروهای امنیتی این شهرستان طی ماه گذشته بازداشت شده خبری در دست نیست.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، طی شهریور ماه ۱۳۹۲، حسین علیزاده ۲۸ ساله فرزند طاهر اهل روستای "سنجی" از توابع شهرستان سلماس بازداشت شد.

اکنون با وجود گذشت یک ماه از بازداشت این شهروند کرد توسط نیروهای امنیتی شهرستان سلماس، وی هیچگونه تماسی با خانواده‌اش نداشته است و با وجود مراجعه مکرر خانواده حسین علیزاده به اطلاعات و نهادهای امنیتی در این شهرستان، هیچ اطلاعی از وضعیت وی کسب نکرده‌اند و تنها به ایشان گفته شد که وی در ارتباط با مسائل امنیتی بازداشت گردیده.

گفتنی است، اتهام امنیتی وارده بر وی و اعلام بی‌اطلاعی نهادهای امنیتی و اطلاعاتی نگرانیهای خانواده علیزاده را افزایش داده است.





دو قطب ارتجاعی

جنایت تروریستی هولناک ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ علیه بشریت و کشتار هزاران نفر از مردم بیدفاع در آمریکا، جهان را در آستانه یکی از تاریک‌ترین و خونبارترین دوره‌های تاریخ معاصر قرار داده است. آنچه هیات حاکمه آمریکا به آن جنگ جهانی علیه تروریسم اطلاق میکند، در حقیقت ورود دنیا به فاز جدید و ویرانسازی در جنگ جهانی تروریست‌هاست.

در دو سوی این کشمکش ضد بشری، دو ورودی اصلی تروریسم بین‌المللی قرار گرفته‌اند که مهر خونین خود را به زندگی دو نسل از مردم جهان ما کوبیده‌اند. در یک قطب، عظیم‌ترین ماشین تروریسم دولتی و ارباب و باج خوری بین‌المللی ایستاده است. منتشک از هیات حاکمه و دولت آمریکا، تنها نیرویی که سلاح اتمی علیه انسان بکار برده و صدها هزار مردم بیخبر و بیگناه هیروشیما و ناکازاکی را در ظرف چند ثانیه خاکستر کرده است، میلیون‌ها نفر را در ویتنام بقتل رسانده و سرزمینشان را با بمباران شیمیایی برای سالها سوزانده و بیمصرف کرده است. ناتو و ائتلاف‌های دولتهای غربی که از عراق تا یوگسلاوی خانه و مدرسه و بیمارستان مردم را بر سرشان خراب کرده‌اند و نان و داروی میلیون‌ها کودک را گروگان گرفته‌اند. بورژوازی و دولت اسرائیل، که اشغال میکند، تصرف میکند، کشتار میکند، محروم میکند. اینها به اردوگاههای آوارگان بمب و راکت میزنند و به کودکان دهساله پناه گرفته در آغوش پدر و در صف مدرسه شلیک میکنند. از هیروشیما و ویتنام تا گرانادا و عراق، از میدانهای تیرباران در اندونزی و شیلی تا قتلگاههای فلسطین، کارنامه و پرونده این قطب جهانی تروریسم دولتی و قدر قدرتی امپریالیستی، عیان و غیر قابل انکار جلوی چشم جهانیان است.

دنیا پس از ۱۱ سپتامبر

بخش اول: جنگ تروریستها

در قطب مقابل، تروریسم اسلامی و جنبش ارتجاعی و کشیف اسلام سیاسی قرار گرفته است. اینها که زمانی خود دست پرورده و مخلوق آمریکا و غرب در جنگ سرد و ابزار سازماندهی ارتجاع بومی علیه چپ در جوامع خاورمیانه بوده‌اند، اکنون به یک قطب فعال تروریسم بین‌المللی و یک پای جنگ قدرت بورژوازی در خاورمیانه بدل شده‌اند. تاریخ ضد انسانی اسلام سیاسی، از ایران و افغانستان و پاکستان، تا الجزایر و فلسطین لیست طولی از نسل کشی ها و جنایات تکان دهنده را در بر میگیرد. از کشتارهای دولتی و شبه دولتی در ایران و افغانستان، تا جنایات روزمره گروههای ترور اسلامی در اسرائیل و الجزایر و قلب اروپا و آمریکا، از سرکوب خونین مخالفان فکری و سیاسی، تا حاکم کردن قوانین ارتجاعی و ضد بشری اسلامی بر مردم و بویژه بر زنان، از سر بریدن ها و دست بریدنیهای شرعی، تا بمبگذاری و قتل عام در اتوبوسها و کافه‌ها و دیسکوتک‌ها، اقلام کارنامه این مرتجعین است. اکنون، قرار است این جدال صدها هزار و چه بسا میلیون‌ها نفر دیگر را، فردا در افغانستان و پس فردا در هر گوشه دیگر جهان، قربانی بگیرد. باید جلوی این ایستاد.

پروپاگاندا جنگی

به موازات این صفتندی نظامی، صفتندی ایدئولوژیکی و تبلیغاتی دو اردوگاه را شاهدیم. شکافتن و در هم کوبیدن این دیوار تبلیغاتی و بیرون کشیدن حقیقت از پس موج عظیم ریاکاری و دروغ که که جهان را در کام خود فرو خواهد برد شرط اول سازماندهی یک صف مستقل، از بشریت آزادیخواه، در برابر جنگ جهانی تروریست‌هاست. پرچم افراطیون در دو اردوگاه از دور پیدا و قابل تشخیص است. دنیای پیچیده امروز دیگر اقبال چندانی به این افکار نخراشیده نشان نمیدهد. پرچم چرخانی و جینگوئیسم آمریکایی و غربی، راسیسم، چرندیات "نبرد

حمایت از آمریکا را پر کنند. پروپاگاندا جنگی این بار قرار نیست نژادی، قومی، مذهبی، و حتی سیاسی باشد. بحث حفظ جریان نفت، دفاع از دموکراسی در عربستان سعودی و پس دادن کویت به شیوخش نیست. اگر ارتش آمریکا بار دیگر برای تکرار آنچه پیش از این بارها کرده است زره به تن میکند، گویا برای دفاع از حق حیات است، دفاع از حق سفر، از حق منفجر نشدن انسانها در گوشه خانه و خیابانشان. جنایت ۱۱ سپتامبر، قوی‌ترین چهارچوب ایدئولوژیکی و تبلیغاتی تاکنونی را برای دخالتگری نظامی آمریکا و ناتو در گوشه‌های دوردست جهان فراهم کرده است. در این لحظه جدا کردن توده وسیع مردم در غرب از سیاست نظامی هیات حاکمه این کشورها به یک کار هرکولی آگاهگرانه نیاز دارد. این موازنه فکری ممکن است با تحولات جدیدی بسرعت دگرگون شود، اما در این لحظه تز "جدال مدنیت با تروریسم"، کنترل افکار عمومی در غرب را کاملاً در دست سیاستمداران و مدیای غربی گذاشته است.

در قطب مقابل نیز چهارچوب نظری پیچیده و نسبتاً موثری در دفاع از اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در حال شکل گیری است. کمتر کسی بخود جرات میدهد از بخون کشیده شدن هزاران نفر در این جنایت آشکار دفاع کند. حتی جانوران حاکم بر ایران و افغانستان ناگزیرند کلامشان را تعدیل کنند. دفاع آشکار از اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی پرچم تبلیغاتی این قطب نخواهد بود. طرف اسلامی در جنگ تروریستها به یک تبیین و توجیه کارساز اما قدیمی از تروریسم متکی خواهد شد که یک رکن "ضد-امپریالیسم" خرده بورژوازی در جهان سوم و بویژه در خاورمیانه بوده است. ما ۷ سال قبل، در پی موجی از آدمکشی‌های اسلامی در اسرائیل و مصر و الجزایر، در ستون اول نشریه انترناسیونال صراحتاً این دفاع ارتجاعی از تروریسم را افشاء و محکوم کردیم. بیفایده نیست اگر آن نوشته کوتاه را اینجا نقل کنیم:

"موجی از آدمکشی‌های اسلامی، خاورمیانه و شمال آفریقا را فرا گرفته است، قربانیان این موج، عادی‌ترین مردم عادی‌اند. در مصر

و الجزایر اتباع خارجی را اعم از کارگر و توریست و بازنشسته به گلوله میبندند و سر میبرند، صف کودکان دبستانی را با بمب کشتار میکنند، دختران جوانی را که از ازدواج اجباری سر باز زده باشند بخون میکشند. در تل آویو عابران بیخبر را از کودک و پیر و جوان در خیابان و اتوبوس به قتل میرسانند. و قهرمانانه، از اسرائیل تا الجزایر، به بشریت متحیر اطمینان خاطر میدهند که این "مبارزه مسلحانه" ادامه خواهد یافت.

زمانی بود که چپ سنتی و "ضد امپریالیست" خشونت‌های کور و تروریسم عنان گسیخته جریانات جهان سومی و ضد غربی را اگر نه به دیده تحسین، لاقبل به دیده اغماض مینگریست. ظلمی که به ملت‌های محروم و خلق‌های تحت ستم روا داشته میشد به زعم اینان این تروریسم را بعنوان عکس‌العملی مشروع توجیه میکرد. تروریسم گروه‌های فلسطینی، جریانات مسلمان و یا ارتش جمهوریخواه ایرلند، که قربانیانشان را بطرز روزافزونی مردم بیدفاع و بی‌خبر غیر نظامی تشکیل میدادند، نمونه‌های برجسته این تروریسم "مجاز" در دوره‌های قبل بودند. تروریسمی که ظاهراً به ظلم‌های گذشته و حال در عکس‌العمل به خشونت و سیاست‌های ضد انسانی دولتها و قدرتهای سرکوبگر پیدار شده بود. جالب اینجاست که دولت اسرائیل نیز در طول سالها دقیقاً با عین همین استدلال، یعنی با استناد و نسل کشی‌های غیر قابل توصیف فاشیسم هیتلری و جریانات ضد یهود در کشورهای مختلف علیه مردم یهود، سرکوب خشن مردم محروم فلسطین و کشتار هرروزه جوانان فلسطینی را توجیه کرده است. این نوع استدلال، و تروریسم کوری که به استناد به آن در خاورمیانه، چه از طرف سازمانهای عرب و فلسطینی و چه از طرف دولت اسرائیل، جریان یافته است، همواره از نظر کمونیسم و طبقه کارگر ورشکسته و محکوم بوده و هست. کوچکترین ارتباط واقعی و مشروعی میان مصائب هولناکی که در قرن اخیر بر مردم یهود رفته است با سرکوبگری‌ها و جنایات

از صفحه ۵ دنیا پس از ۱۱ سپتامبر...

دولت راست افراطی در اسرائیل علیه فلسطینیان وجود نداشته و ندارد. کوچکترین ارتباط واقعی و مشروعی میان مشقاتی که مردم محروم فلسطین کشیده اند با تروریسم سازمانهای منتسب به این مردم، اعم از اسلامی و غیر اسلامی، وجود نداشته و ندارد. این سوء استفاده و سرمایه ساختن جریانات و جناحهای بورژوازی، اعم از دولتی و غیر دولتی، از مصائب مردم محروم است. محکوم کردن و از میدان بدر کردن این تروریسم توسط طبقه کارگر بویژه در کشورهای منطقه یک شرط حیاتی قرار گرفتن کارگر در راس مبارزه اجتماعی برای پایان دادن به این مصائب است.

موج جدید آدمکشی اسلامی، بخصوص در شمال آفریقا، دیگر ظاهرا حتی از این قبیل توجیهات سیاسی هم بی نیاز است. یک عمامه و یک تفنگ تمام چیزی است که برای شروع این جهاد کثیف علیه انسانیت کفایت میکند. این گانگستریسم اسلامی است و سرمنشاء آن رژیم حاکم در ایران است. تکلیف این جریان نیز در ایران یکسره خواهد شد. (م. حکمت، [انترناسیونال ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴](#))

با بالا گرفتن این کشمکش و بویژه با حمله محتمل ارتش آمریکا و متحدینش به افغانستان، "دفاع ضد امپریالیستی" از جریان اسلامی و حتی توجیه اقدامات تروریستی آن با استناد به جنایات و سرکوبگری های آمریکا و اسرائیل میتواند بار دیگر در میان مردم و احزاب سیاسی خاورمیانه و همینطور در میان بخشهایی از چپ رادیکال سنتی و روشنفکری جوامع غربی جا باز کند. پناهگاه عقیدتی اصلی گانگستریسم و ارتجاع اسلامی در این جنگ قدرت، نه شعارهای پوسیده و آشکارا ضد بشری مذهبی و اسلامی، بلکه این به اصطلاح "ضد امپریالیسم" ملی - مذهبی و خرده بورژوازی خواهد بود.

هیچ جنبش مردمی در برابر جنگ تروریستها نمیتواند بدون افشاء کردن و در هم شکستن این چهارچوبهای عقیدتی و پروپاگاندا جنگی ریاکارانه در هر دوسوی این

جدال ارتجاعی موفق شود.

جدال بر سر چیست

این از هر دو سو یک جنگ قدرت است. تروریسم یک واقعیت است. تروریسم هست، اما این جدال، و جنگی که می رود شعله ور شود، بر سر تروریسم نیست. همه میدانند که ورود آمریکا به افغانستان و حتی دستگیری بن لادن سر سوزنی کمپین تروریستی ای را که از سوی جریان اسلامی غرب را تهدید میکند کاهش نخواهد داد و امنیت بیشتری برای ساکنین اروپا و آمریکا ببار نمیآورد. برعکس، حتی خطر را تشدید میکند. مساله فلسطین آن قلمرویی است که آمریکا و جنبش اسلامی مستقیما با هم رو در رو میشوند. اما این جدال به معنی اخض کلمه بر سر حل و فصل مساله فلسطین نیز نیست. سیاست اعلام شده آمریکا، یعنی یک جنگ نظامی "وسیع، ادامه دار و همه جانبه" آشکارا بر حدت هردو مساله، مساله فلسطین و مساله تروریسم اسلامی، می افزاید. نه فقط این، بلکه جنگ داخلی احتمالی در پاکستان با عواقب بسیار زیر و روکننده در منطقه و در سطح جهانی، و بحرانهای عمیق حکومتی در کشورهای فعلا بظاهر باثبات خاورمیانه، میتوانند از نتایج مقدماتی این سیاست نظامی باشد. این را خودشان بخوبی میدانند. اما برای آمریکا، مساله اصلی در این میان تثبیت و گسترش هژمونی و سلطه سیاسی و نظامی اش بر جهان بعنوان تنها ابرقدرت است. حل مساله فلسطین یا مبارزه با تروریسم اسلامی هدف این سیاست نیست. تحکیم و گسترش موقعیت جهانی آمریکا، در متن فشارها و نیز فرصتهایی که جنایت ۱۱ سپتامبر ایجاد کرده است هدف اصلی این سیاست است. برای اسلاميون نیز

این يك جنگ قدرت است. نه مشقات مردم فلسطین، و نه ظلمهای تاریخی غرب به شرق، منشاء این تروریسم نیست. جریان اسلامی برای بقاء و حفظ موقعیت رو به افول خود و نهایتا برای گسترش موقعیت خود در ساختار قدرت بورژوازی در خاورمیانه تلاش میکند. تروریسم و دشمنی کور با هرچه رنگی از غرب و غربگرایی دارد سرمایه سیاسی اینها در جامعه و در میان مردمی است که آمریکا و اسرائیل را بدرست بعنوان عاملین اصلی بی حقوقی و محرومیت های خود میشناسند. صلح در خاورمیانه، تشکیل کشور فلسطین، تخفیف مشقات ملی و قومی و رفع تبعیضاتی که بر مردم فلسطین روا داشته میشود، ناقوس مرگ جنبش اسلامی در خاورمیانه را به صدا در میآورد. تروریسم ابزار اصلی جریان اسلامی برای عمیق تر کردن شکاف های ملی و قومی و مذهبی در خاورمیانه و زنده نگاهداشتن این کشمکش بعنوان سرمایه سیاسی و منشاء قدرتگیری خویش است. اسلامییست ها، علیرغم فشار نظامی ای که از جانب آمریکا بر آنها وارد خواهد شد به استقبال این مواجهه خواهند رفت. برای شکل دادن یک جنبش مردمی مستقل در برابر این تقابل بیسابقه و مرگبار قطبهای نظامی و تروریستی بین المللی، باید حقایق این تحولات را از پس تبلیغات جنگی و توجیهات ورود گاههای متخاصم بیرون کشید و به میان مردم برد. این رویداد و سیاستی که آمریکا در پیش گرفته است، عواقب جهانی و منطقه ای مهمی دارد. سیمای سیاسی و فکری جهان را دستخوش تغییرات عمیقی میکند. سیاست در ایران از این تحولات بشدت تاثیر میپذیرد. لازم است به گره گاههای اصلی در این تحولات و رئوس يك سیاست اصولی کمونیستی بپردازیم. (ادامه دارد)

آموزش رایگان حق همه کودکان است

حق برخورداری از آموزش مناسب یکی از ابتدایی ترین حقوق انسانی است. این حقی است که مردم در بسیاری نقاط جهان به دولتها تحمیل کرده اند. در ایران اما هزینه تحصیل کودکان، باری سنگین بر دوش خانواده هاست. صدها هزار کودک به دلیل فقر خانواده از مدرسه رفتن محرومند. کودکان بسیاری ناچارند از سنین بسیار پایین کار کنند تا به نان شب خانواده کمک کنند. دهها هزار کودک بعنوان "کودک کار و خیابان" شناخته میشوند و از همه زندگی و تامین و شادی کودکان محرومند و مورد انواع تعرضات قرار میگیرند. هزاران کودک به دلیل اینکه پدر و مادرهایشان زاده افغانستان و کشورهای دیگر هستند توسط حکومت اسلامی از حق درس خواندن محروم شده اند.

همه کودکان بدون هیچ استثنائی حق دارند از آموزش رایگان و با استاندارد بالا برخوردار شوند. دولت موظف است شرایط تحصیل همه کودکان را مهیا کند

تحصیل رایگان برای همه کودکان

- این حق بی چون و چرای کودکان است که از زندگی ای شاد و امکان تحصیل رایگان برخوردار شوند، این خواستها را فعلاانه مورد دفاع قرار دهیم:
- ۱- تحصیل رایگان برای همه کودکان و ممنوعیت هر نوع اخذی به اسم شهریه یا تحت عناوین دیگر
 - ۲- پرداخت کمک هزینه های لازم برای تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان
 - ۳- جدایی مذهب از آموزش و پرورش
 - ۴- لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض اصول آموزش و پرورش علمی و غیر مذهبی هستند
 - ۵- پایان دادن به کنترل و تفتیش دولتی در مدارس

حزب کمونیست کارگری ایران

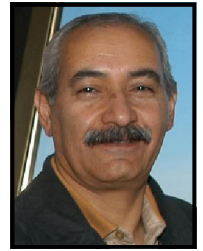
FREE THEM NOW



Campaign to Free Jailed Workers in IRAN



مختصری از تاریخ یک دوره / بخش بیست و ششم



عبدل کلپریان

تدارک یک طرح

روستای قه ره بیان که در بازگو کردن تاریخ آندوره از آن بیشتر اسم برده شده، به این خاطر است که موقعیت ویژه این روستا و چسبیدن آن به شهرسندج بعنوان محل استقرار ما از اهمیت خاصی برخوردار بود. نزدیکترین روستای پرجمعیت به شهر بود. از آنجا برای حضور در نقاط دیگر و بویژه داخل شدن به شهر، نسبت به نقاط دیگر مناسبتر بود. ساکنان آنجا اغلب از کارگران شهری و حومه بودند که با آنها ارتباط نزدیکی وجود داشت. بعد از قه ره بیان بیشترین حضور ما در روستاهای "قشلاق"، دگه ران، گریزه، قار، نایسر، عباس آباد، فرجه، نه نه له، قولیان، سوره زه، کوره های آجرپزی اطراف سد و در داخل شهر سندج بود."

در اطراف روستای قه ره بیان یک انبار دولتی پر از وسایل لوله کشی، کنتور آب و تجهیزات دیگری که متعلق به سازمان آب سندج بود وجود داشت. قبلا و در رفت و آمدهایمان در قه ره بیان متوجه این انبار شده بودیم. به این فکر افتادم که وسایل این انبار را مصادره کنیم. به مدت چند روز بر روی چگونگی طرح مصادره آن فکر کردم و

موضوع را با رفقای واحد در میان گذاشتم. روشی که برای مصادره آن در نظر گرفته بودم کاملا در مغایرت با مصادره های پیش از آن بود که مثلا یک گردان نیروی نظامی کومه له لازم می بود تا یک انبار مواد خوراکی دولتی مصادره شود. با بررسی تمام جوانب امر، آنها هم در موافقت و عملی بودن این کار، هر یک ایده ای در جهت تکمیل طرح مطرح کردند و بتدریج روی این حرکت متمرکز شدیم. تاثیرات این حرکت می توانست این را به مقامات و نیروهای رژیم در سندج القا کند که مصادره کردن یک انبار دولتی تنها از عهده تعداد زیادی نیروی مسلح کومه له میسر است و بی گمان آنها فکر می کردند که گردان شوان در اطراف شهر حضور دارد و این نه تنها در به وحشت انداختن مراکز نظامی رژیم و گروههای ضربت در داخل و اطراف شهر سندج موثر واقع می شد بلکه روحیه مبارزاتی و تعرضی مردم علیه آنان را صد چندان بالا می برد.

آذرماه سال ۶۵ بود هوا سرد و زمستان داشت فرا می رسید. در طول مدتی که روی طرح مصادره انبار دولتی کار می کردیم، تمام جوانب امر را مد نظر گرفته بودم. به این مسئله فکر میکردم که در صورت مصادره انبار و از آنجا که محلی برای نگهداری طولانی مدت در اختیار نداشتیم، می بایست آن وسایل مصادره شده را در جایی

موقتا نگه داری کنیم. وسایل این انبار هیچ خاصیتی برای ما نداشت. به این فکر افتادم که می شود آنها را بفروش برسانیم. برای تکمیل طرح از ابتدا تا به آخر روی آن متمرکز شدم. از قبل با کسیکه می شناختم و خود دستی در کار معاملاتی داشت مسئله را در میان گذاشتم و حاضر شد بعنوان واسطه و همچنین همکاری با ما وسایل را به شخص ثالثی در تهران که با این وسایل سرو کار داشت بفروشد و پول آنرا به دست من برساند. بدینترتیب هنوز که کار مصادره وسایل انبار به اجرا در نیامده بود تقریبا کم کم معامله هم داشت به سرانجام می رسید. تا مین نیاز مالی جمع آوری کمکهای مالی کلان از افراد پولدار شهر یکی از کارهای ما بود در نتیجه مبلغ حاصله از فروش وسایل مصادره شده دولتی نیز در همین راستا قرار می گرفت.

شخص خریدار در تهران زندگی می کرد که طرف معامله بود و با کسی که به ما کمک میکرد و در سندج زندگی می کرد صحبت کردم. او حاضر شد در نقش صاحب وسایل نقش ایفا کند. از نظر امنیتی هیچ خطری آن در را تهدید نمی کرد و می توانستند در مدت کمتر از چند ساعت وسایل را به تهران منتقل کرده و بقول خودشان آنرا آب کنند. به این صورت بخشی از نقشه عمل مصادره تکمیل شد. از طرف دیگر با کسی که وسیله نقلیه ای که گنجایش این وسایل را داشته باشد تماس گرفتم و وانت باری به این منظور نیز فراهم شد. برای سرعت بخشیدن به مصادره تصمیم بر این گرفتم که این کار را با یک تیم سه نفره انجام دهم. آنهم به این خاطر که بعد از تمام شدن کار، سریعتر و آسانتر میشد خودمان را بلافاصله مخفی کنیم.

قبل از اجرای عملی کار و طی تماس با رفقای مرکزیت در اردوگاه، چگونگی طرح را در جزئیات برای رفیقی که مسئول مستقیم با واحد بود و در اردوگاه مستقر بود توضیح دادم. آن رفیق ابتدا این طرح را غیر ممکن دانست و گفت طرح را با اعضای کمیته مرکزی در میان گذاشته است و آنها نیز موافق این

کار نیستند. بهر حال می دانستم که رفقای مرکزیت کومه له و رفیقی که با واحد شهر در ارتباط بود نسبت به انجام این مصادره خوشبین نبودند و آنرا غیر ممکن می دانستند. آنها بر اوضاعی که ما از نزدیک بر آن اشراف داشتیم عینی نبودند. بیاد دارم که بارها بر سر این موضوع مکالمات بی سیمی زیادی صورت گرفت و تلاشم این بود آنها را قانع کنم. تصور آنان از مصادره انبار دولتی همانطور که اشاره کردم تصویری بود که سالها قبل با یک گردان نیروی مسلح کومه له انجام می شد و با آن سبک و روشی که مد نظر من بود همخوانی نداشت. برای آنها قابل هضم نبود که می شود نه تنها با شش نفر بلکه با سه نفر هم انجام بگیرد. بلاخره روزها طول کشید تا موفق به قانع کردن این رفقا در اردوگاه شدم. بعد از خاتمه اقتناع کردن آنها اجرای عملی طرح را شروع کردیم.

همه رفقای واحد موافق اجرای طرح با یک تیم سه نفره بودند. در نتیجه به سه نفر از رفقای واحد گفتم که هر یک به تنهایی به نزد مطمئن ترین نزدیکان خود در شهر بروند و ضمن استراحتی چند روزه دیداری هم با آنها داشته باشند و خبر موفقیت آمیز این کار را از رادیو کومه له گوش دهند. تمام تجهیزات نظیر سلاحها، خشاب، فشنگ و بی سیمهای دستی آن سه رفیق در محل مناسب و امنی بیرون از شهر قرار داده شد. شماره تلفن منازلی که آنها در آنجا می ماندند را به من دادند تا در وقت مقرر و برای جویا شدن از وضع شان و همچنین روز ملحق شدن بهمیدگر، با آنها در تماس باشم ترتیب این کارهم داده شد و آنها یکی یکی بطور جداگانه و تنها با به همراه بردن کلت هایشان به داخل شهر اعزام شدند و تنها من از محل استقرار آنها اطلاع داشتم.



اهمیت این شیوه از مخفی شدن رفقا در شهر در این بود که اگر مشکل احتمالی برای یکی از رفقا در داخل شهر بوجود می آمد خطری آن دو نفر دیگر را تهدید نمی کرد. این سبک از مخفی شدن فردی این مزیت را هم داشت که آن رفیق موظف می شد که نهایت مخفی کاری را برای حفاظت از خود و کسانی که میزبان او هستند بخوبی رعایت کند. قبل از شروع عملیات مصادره وسایل انبار، با هر کدام از آنها تلفنی تماس گرفتم تا مطمئن شوم که بدون مشکل به مکانهای خود رسیده باشند. تماس تلفنی را گرفتم و کاملا خیالم از بابت آنها راحت شده بود. هوا تاریک شده بود. در منزلی که بودیم بعد از روبوسی با اهالی منزل بیسیم بزرگ را برداشتم و از آنجا خارج شدیم. بعد از نزدیک به یکساعت ساعت به اطراف انبار رسیدیم. وانت باری را که از قبل با راننده اش قرار و مدار گذاشته بودم، سر وقت در پنجاه متری انبار توقف کرده بود. پیش او رفتم و شخص دیگری را که می شناختم با خود به همراه آورده بود بعد از احوالپرسی با آنها، موتوری که در پشت وانت بار بود پایین آوردند که برای بازگشت از آن استفاده کنند. این را قبلا در مشورت با هم در نظر گرفته بودم. کلید وانت را به من داد با صاحب وانت قرار گذاشتم که سر ساعتی که تعیین کرده بودم در نقطه دیگری برای تحویل وانت آنجا باشد. این را هم با صاحب وانت در میان گذاشته بودم که گوش بزنگ باشد و اگر اتفاقی برای ما افتاد بلافاصله به نزد پلیس برود و بگوید وانت بار او را دزدیده اند که مشکلی برایش بعدا ایجاد نشود. در جواب گفت شکی ندارم که کوچکترین اتفاق ناجوری برایتان پیش نخواهد آمد. آنها هم سوار بر موتور از آنجا دور شدند.

ادامه دارد

رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،
برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،
به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

چراغ‌ها سبز و قرمز می‌شوند

الناز میثمی

چراغ‌ها سبز و قرمز می‌شوند. ماشین‌ها همچنان ایستاده‌اند و آدم‌ها در میانه ترافیک همیشه در حالتی از گیجی به مشکلات و مسائل هر روزه خود فکر می‌کنند. چنان غرق گرفتاری‌ها هستند که نیم نگاهی نیز به دخترک سبزه‌رویی که مابین ماشین‌ها می‌چرخد و با التماس بسته‌های کبریت خود را عرضه می‌کند، نمی‌اندازند. دختر چادر سیاه نخمبایی را به پشت سر بسته، در زیر آفتاب سوزان تابستان، نایی برای نفس کشیدن ندارد و بسختی روی پاهایش ایستاده است. به دخترک نگاه می‌کنم که ناگهان دست کوچکی از میانه چادر او بیرون می‌افتد. و چهره خواب‌آلود نوزادی چند ماهه دل را می‌لرزاند. دست نوزاد به نشانه این‌که من نیز در این دنیا سهمی دارم، به آرامی تکان‌تکان می‌خورد... و چشمان او به سختی باز و بسته می‌شود... نوزاد خمیازه می‌کشد... و چشمانش بار دیگر بسته می‌شود.

دخترک به شیشه‌ها می‌کوبد: کبریت بخیرد...

اما کسی کبریت نمی‌خواهد. اکثر آدم‌ها او را رد می‌کنند. عده‌ای تشر می‌روند و عده‌ای دیگر با اندکی مهربانی دختر را از سر خود باز می‌کنند. دختر به ماشین من می‌رسد... نگاهش غریب است. انگار تمامی غم‌های عالم در کنج مردمان‌های چشمان سیاهش خانه کرده‌اند. دختر التماس می‌کند. از او می‌خواهم به داخل ماشین بیاید تا با او صحبت کنم... ترس را در نگاهش می‌بینم. دختر عقب عقب می‌رود... می‌گویم: چند بسته کبریت می‌خواهم و چند سوال دارم... دختر مردد است اما وسوسه فروش چند بسته کبریت او را به داخل ماشین می‌کشاند... هوای خنک داخل ماشین به دختر می‌چسبد... نوزاد نیز انگار هوای خنک را حس کرده. چشمانش را باز می‌کند و دوباره دستی تکان می‌دهد... هانیه نام دختر است... ۱۳ ساله‌ای که تازه ازدواج کرده با

می‌دهد... شوهر او باندی دارد. باندی که تنها اعضای آن کودکان بی‌سرنوشتی هستند که خانواده‌ای ندارند... کودکانی از جنس سادگی، عطوفت، غم، درد و حسرت... حسرت چیزی که در وجود و نگاه بیشتر این کودکان همیشگی است... حسرت عروسک، پیستزا، بازی، مدرسه، خانواده، کفش، لباس و اندکی محبت... حسرت زندگی کردن، مانند دیگر بچه‌ها بودن...

نوزادی که در آغوش اوست... هنوز اسم ندارد، شناسنامه ندارد... هویت ندارد... و همه این‌ها یعنی او اصلاً به حساب نمی‌آید... کالایی است برای مبادله، برای خرید و فروش، برای پول درآوردن... نوزادی که حتی اجازه گریستن ندارد... نوزاد معتاد است... او با مواد می‌خواهد، با مواد نفس می‌کشد و با مواد روزها را از پس هم می‌گذراند تا کودکی شود به سن هانیه...

ماشین‌ها در حال حرکتند... هانیه در طرف دیگر چهارراه از ماشین پیاده می‌شود... چند بسته کبریت از او می‌خرم... با این که می‌دانم در آمد او از من بیشتر است... با این که می‌دانم... یک اسکناس هم به جیب او نمی‌رود... با این که می‌دانم این پول‌ها به پای دود مواد می‌رود... اما چه کنم که دلم بر کودکی او می‌سوزد، بر نگاه پرخواش و التماسش. بر آوارگی، بی‌خانمانی و تنهایی همیشه‌اش...

هانیه می‌رود. زیرا زمان برای او مهلت بیشتری نمی‌خواهد. او کودک کار است. کودکی که باید خرج نفس کشیدنش را در بیاورد... و من نویسنده‌ای که باید حرف‌های دل

کوچک و تنه‌ایش را به گوش دیگران برسانم. من خیره به او و او خیره به آینده‌ای نامعلوم و ماشین‌ها و آدم‌ها خیره به ما... تا به کجا؟ کسی می‌گفت: باورش سخت است... اما نه باورش اصلاً سخت نیست... هانیه و امثال او فراوانند... نوزادانی که کرایه می‌شوند بسیارند... ما نمی‌بینیم... ما به خواب رفته ایم... خوابی که

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:
Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:
Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azamouh
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrsswift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیسی
ویژه کمک از انگلیسی و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

در زمینه کمک مالی چنانچه سوالی داشته باشید
میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از ایران:

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزاد کرباسی

E-mail: farzam.karbasi@gmail.com

خودمان نمی‌خواهیم بیدار شویم... می‌فروشند... شاید که از قبایل وگرنه کودکانی هستند که آواره‌اند، بی‌پناه، بی‌سرپرست در پی ذره‌ای محبت... آن‌ها مشتاقانه به ما چشم می‌دوزند. کبریت و آدامس و گل را برای کسب درآمد با التماس به ما

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!